

استکبار خارجی استکبار داخلی

کدام خطرناک تر است؛ داخلی یا خارجی؟!

سیاسی

حامد آقالر

طی چند سال اخیر شاهد یک فروکاستی عجیب و غیرقابل باوری در تفسیر و تبیین مفهوم "استکبار" بوده ایم. از آنجایی که بعد از انقلاب مدام از آمریکا و اسرائیل و عمال نه چندان محترمش دم زدیم و گفتیم استکبارستیزی صرفاً در مبارزه و مقابله با این نخاله های بشری خلاصه می گردد، لازم است اندکی در تفهیم استکبار تأمل کنیم. اگر من باب تفهیم اولیه، به فرهنگ سیاسی اسلام رجوع کنیم، استکبار را وجود نوعی سلطه گری، سلطه جویی، استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده های محروم میخوانیم. بدیهی است که استکبار فقط به ابرقدرت های سیاسی و اقتصادی دنیای فعلی محدود نگردد و عوامل و ایادی بیشتر و گسترده تر و حتی خطرناک تری را شامل گردد. اگر که دولت و یا کشوری، سایر ملت ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن اعمال سیاست های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت های بزرگ شرق و غرب در جهان است، همان "استکبار خارجی" را نقل کرده ایم که از قضا معرف حضور همگان هم هست و مدام با تحریم های رنگارنگ اقتصادی و سیاسی شان، فضای اجتماعی کشور ما را نوازش می کنند! اما از این معلوم الحالان عرصه سیاست بین الملل بگذریم. نگاهمان را به نوع دیگر استکبار معطوف کنیم؛ استکبار داخلی! استکباری به غایت خطرناک تر

و مخرب تر که در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... زهر خودش را می ریزد ولی مورد بازخواست قرار نمی گیرد. این استکبار کجای جامعه ماست؟ فی الواقع چه کسانی فرقه ی ضالّه ی استکباریون داخلی را تشکیل می دهند؟ تعریف استخراج شده از فرهنگ سیاسی اسلام در رابطه با استکبار را مرور کنیم و موارد مذکور را با عوامل داخلی تطبیق دهیم؛ در این صورت به آن دسته از افراد، احزاب، اعمال و... استکباری می رسیم که در عین ناباوری، همه ی این دسته ها داخلی هستند و در کنار ما به استکبارگرایی خودشان مشغول اند. نمود استکبار داخلی در دهه پنجم انقلاب اسلامی، در فقر، تبعیض، بی عدالتی، عدم تعهد عملی، ریا و تزویر، نفاق، دورغ و ... متبلور است. استکبار داخلی، همان سیاست های غلط دولت مردان در مورد معیشت و وضعیت اقتصادی ملت داغ دیده ی ایران است. استکبار داخلی، همان کاندیدای انتخابات است که دل عوام را برای بهبود اوضاع صابون زد ولی بعد از انتخابات بهانه های متعددی را لیست کرد و به خورد رسانه ها داد که این ها در حیطه ی اختیارات اینجانب نمیگنجد! استکبار داخلی، نظام آموزشی نابه سامانی است که شکنجه گاه تعلیم و تربیت مبتذل گردیده و موجب فراری دادن نخبگان علمی و فرهنگی شده است. استکبار داخلی همان دیکتاتوری نظام پزشکی است که درمانگاه را به تجارتگاه تغییر کاربری داده است! استکبار داخلی، رباخانه ی سیستم بانکی و پولی کشور است که در روز روشن از جیب خالی قشر آسیب پذیر برمی دارد و با عنوان

ظاهراً قانونی وام، در جیب پر سیم و زر عده ای می ریزد. استکبار داخلی، همان سیستم اداری ناکارآمدی است که باعث هدر رفتن سرمایه های مادی و انسانی می شود. استکبار داخلی، همان مفسدین اقتصادی هستند که گندم ری را بر ارزش ها و آرمان هایی که از آن ها دم می زدند، ترجیح دادند و نان مردم را در این گیر و دار اقتصادی، آجر کردند. استکبار داخلی همان آقازاده های ریز و درشتی هستند که به لطف جایگاه های VIP پدر و مادرشان در نظام، پله های ترقی تحصیلی و سکو های پیشرفت اقتصادی را با اسم "ژن خوب" فتح می کنند. استکبار داخلی چندان وجه پیچیده و دور از دسترسی نیست؛ چه بسا که خود ما هم عضوی از استکبار داخلی باشیم! حال با این اوصاف، وقتی شعار "استکبارستیزی" را فریاد می زنیم، بایستی به جنگ تمام استکباریون داخلی و خارجی برویم. از آنجایی که استکبار خارجی در مواجهه با تفکر ما، تکلیف مشخصی دارد و آن تکلیف هم دشمنی همیشگی است، پس نیاز به اثبات استکبار بودن آن نداریم اما استکبار داخلی در لایه های مختلف اجتماع مخفی است و نمیتوان به سادگی انواع آن را تشخیص داد؛ لذا از این بابت می گوئیم که استکبار داخلی به مراتب از استکبار خارجی خطرناک تر است و به نوعی مکمل کار استکبار خارجی می شود یعنی بلایی را که استکبار خارجی نتوانست بر سر جامعه بیاورد، استکبار داخلی در لباس چوپان بر سر گله می آورد! پس استکبارستیزی باید در همه ی ابعاد داخلی و خارجی صورت پذیرد.

ازدواج شیرین!

در صفحه ۴ بخوانید

سلاطین کاغذی!

در صفحه ۴ بخوانید

کار باید
تشکیلاتی باشد!

در صفحه ۳ بخوانید

به نام اعتراض گر
به کام اغتشاش گر

در صفحه ۳ بخوانید

پایان باز خلیفه!

در صفحه ۲ بخوانید

تسخیر تاریخی

در صفحه ۲ بخوانید



تسخیر تاریخی

اسناد به دست آمده از لانه ی جاسوسی واجب المطالعه هستند!

سیاسی

مریم سبزی



تدریجی بینجامد در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که بر اثر نارضایتی های منطقه ای و قومی تحریک شده باشند و اگر به نحو غلط با اینها برخورد شود ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردد تا توده ها به مخالفت با رهبران مذهبی برخیزند. سناریوی دیگر اینکه نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس هر دو میتواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی و در نتیجه نارضایتی عمومی گردد یا تبدیل به خشونت های افراطی شود. در گزارش دیگر آمریکایی ها شرایط ارتش و قدرت نظامی ایران در صورت وقوع یک جنگ را تحلیل کرده اند. گزارش اول سفارت آمریکا از ارزیابی توانایی دفاعی ایران: آبان ۱۳۵۵، نیروهای مسلح ایران قادر بوده اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی نظمی ملی سرتاسری قادر به این کار خواهند بود. آن ها نمی توانند حمله های خارجی از دوجهت را متوقف کنند و یا به طور مؤثر حمله یک قدرت اصلی (بزرگ) را به تأخیر بیندازند. ایران قادر است که حمله ای از جانب عراق را متوقف کند، ولی احتمال از دست دادن قسمتی و یا تمام مرز آبرفتی بین ایران و عراق وجود دارد. و این ها هم مانند هزاران اسناد دیگر جنایتکار بودن این دولت را آشکار کرد و به این دلیل و دلایل دیگر ۱۳ آبان را روز مبارز با استکبار جهانی نامیدند.

علیه دانشجویان مسلمان و برخی اقدامات دیگر از جمله آنهاست. حال این سؤال پیش می آید که آیا بالا رفتن از دیوار سفارتخانه کشوری در کشور دیگر و توسط مردمان آن کشور کار درست و به جایی است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت آنچه بدیهی و مبرهن است، جنایات آمریکا و هم دستانش در طول تاریخ ایران بر مردم این کشور و از طرفی هم حال و هوای انقلابی و استکبار ستیزی که آن زمان بر کشور حاکم بوده است، از جمله دلایل موجه این کار است، مانند این می ماند که کسانی بر جرم و جنایات شخص یا اشخاصی که از آنان حقی ضایع کرده و یا پیوسته در حال ضایع کردن است، آگاه هستند ولی دلیلی برای اثبات آن ندارند و ناچار هستند برای حفظ حقوق خود و جلوگیری از ضایع شدن آن خود به اقدام غیرقانونی دست بزنند که این کار غیرقانونی در مقابل آن قانونی مینماید و البته از نظر همگان این کار مجاز است نه غیرقانونی! ولی آنچه اهمیت دو چندان دارد، اسنادی است که حین تسخیر توسط نیروهای انقلابی بدست آمد، در یکی از اسناد آمده که یکی از اعضای سفارت به نام جان گریوز در نامه ای به رؤسای خود در واشنگتن برای تضعیف وحدت ملی و هرج و مرج در کشور و سقوط حکومت ایران پیشنهاد میدهد، او میگوید: من حداقل دو سناریو و برنامه را که میتواند به هرج و مرج در کشور و سقوط

در ابتدای انقلاب و زمان حکومت دولت موقت با هدف وادار کردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، دانشجویان تصمیم به اشغال سفارت آمریکا گرفتند. دانشجویان از دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و... گرد هم آمدند و طی یک راهپیمایی تا سفارت آمریکا از دیوارهای سفارت بالا رفته و علی رغم مقاومت محافظین و آمریکایی ها، سفارت را به تصرف کامل درآوردند. در هنگام تسخیر سفارت، آمریکایی ها به سرعت مشغول نابود کردن بسیاری از اسناد دخالته ها و تجاوزات و غارت های خود شدند ولی پس از تسخیر سفارت به سرعت از نابودی باقی مانده اسناد جلوگیری شد و بعدها اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمده بود چاپ شده و در اختیار همگان قرار گرفت. به محض انتشار این خبر، مردم بسیاری با خشم و انزجار مقابل لانه جاسوسی تجمع کرده و از حرکت دانشجویان حمایت کردند. امام خمینی (ره) نیز در پیامی این حرکت را انقلاب دوم و بزرگ تر از انقلاب اول نامیدند. این حرکت دانشجویان معترض، خشم آمریکایی ها را برانگیخت و آنها که ناتوان از درک ملتی استقلال طلب و آزادی خواه بودند، دست به اقداماتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران زدند؛ از آن جمله فشار آوردن به مجامع بین المللی مانند سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت و ... ایجاد جو منفی تبلیغاتی

آگاهانه اقدام به ناامنی و تشویش در خاورمیانه می کنند. سخنان آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب در این باره مبین نقش این دسته است " دشمن اصلی آن کسی است که این ها را تحریک میکند، آن کسی که پول در اختیارشان میگذارد، آن کسی که وقتی انگیزه شان ضعیف شد آنها را انگیزه دار میکند، این ها آن دست پنهان سرویس های عملیاتی اطلاعاتی است " دوم تفکر سلفی و تکفیری است که مغز هزاران نفر از مسلمانان فریب خورده را شستشو داده و آنها را برای جهاد اسلامی به کشور عراق و سوریه کشانده است، اقبال دهها هزار جوان مسلمان در این سال ها به داعش و القاعده و غیره می تواند دلیل خوبی بر این باشد؛ به ویژه این که هزاران نفر از آن ها انتحاری به استقبال مرگ می روند و دنیاگریزی را بر می گزینند؛ کاری که نه به خاطر پول است نه مزدوری! واقعیت اما این است که بنیادگرایی افراطی اسلامی در سه دهه اخیر محصول دو فاکتور کلیدی است؛ نخست دخالت و حملات خارجی، از حمله ارتش سرخ به افغانستان در دهه ۸۰ قرن گذشته گرفته که القاعده مولود آن بود تا حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که موجب گذار از بنیادگرایی القاعده ای به ورژن جدیدی تحت عنوان بنیادگرایی داعشی شد. اما عامل دوم استبداد داخلی و نظام های قومی و قبیله ای است که دهه هاست با سرکوب سیستماتیک و خشونت سازمان یافته بر جوامع عربی و اسلامی حکومت کرده و برآیند سیاست ها و رفتارهای آن ها توسعه نیافتگی این جوامع در عرصه های مختلف و بحران های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و هویتی است. از این بگذریم، بقیه عوامل چون بحران هویتی و غیره نقشی فرعی داشته و در سایه دو عامل پیشگفته قابل تعریف هستند. از این رو، تا زمانی که این زمینه ها و عوامل پابرجا هستند و شرایط داخلی کشورهای عربی و اسلامی خشونت ساز است نه خشونت ستیز، نمی توان امید داشت که رفتن فردی چون البغدادی کمکی به ریشه کنی تروریسم و افراط گرایی بکند؛ همچنان که کشتن اسامه بن لادن در سال ۲۰۱۱ چنین نکرد؛ تازه بنیادگرایی در ورژنی بسیار خطرناک تر در ۲۰۱۴ نمایان شد. تا زمانی که برخورد با افراطی گری و بنیادگرایی صرفاً معطوف به مظاهر آن است نه ریشه های آن، وضعیت همین است و بدتر هم می شود.



به منطقه در حال اجرا میباشد که با مخالفت های شدید کشور های اروپایی و خاورمیانه روبرو شده است در این بین ترکیه خواهان کسب رضایت آمریکا و روسیه است و بر همین اساس در ازای مبادله اطلاعاتی از مکان اختفای بغدادی سکوت آمریکا را برای خود تضمین کرد. به هر حال، ترامپ که هنوز در سیاست خارجی اش توفیقی کسب نکرده؛ نه در پرونده کره شمالی، نه در فشار حداکثری بر ایران، و نه در طرح معامله قرن درباره منازعه فلسطین، سعی می کند با زوم کردن بر روی قتل البغدادی و حمزه بن لادن به عنوان دستاوردهای مهم نهایت بهره برداری داخلی را داشته باشد؛ هر چند خود او قبلاً در رابطه با قتل بن لادن در سال ۲۰۱۱، تلاش کرد از اهمیت آن به عنوان یک دستاورد برای باراک اوباما بکاهد و خواستار توقف ارسال پیام های تبریک به وی شد و گفت که یک عضو نیروهای ویژه ارتش آمریکا این کار را کرده است. از این مسائل حاشیه ای اما مهم که بگذریم، به نظر می رسد پرسش اساسی بعد از مرگ البغدادی باید این باشد که آیا پایان زندگی رهبر مخوف ترین و ثروتمند ترین گروه تروریستی در تاریخ معاصر منطقه می تواند پایانی بر افراط گرایی از این نوع باشد یا خیر؟ به نظر من پاسخ به این پرسش در شناخت دقیق علل و زمینه های شکل گیری و شیوع افراطی گری به ویژه از نوع داعشی آن در منطقه است. در مواجهه با این مساله باید این دو مورد را در کانون توجه قرار داد. اول نقش کشور های فرا منطقه ای به رهبری آمریکا و اسرائیل و بازوان آنها در خاورمیانه یعنی عربستان، امارات، قطر و ترکیه که کمک های لجستیکی آنها به داعش بر همگان محرز است قابل چشم پوشی نیست؛ یعنی این کشور ها

پایان باز خلیفه!

داعش از کاشت تا برداشت...

سیاسی

محمد مهدی کبیر



خبر ها حاکی از آن است که ابوبکر البغدادی رهبر گروه سلفی تکفیری داعش در جریان عملیات نیرو های ویژه آمریکایی (دلتا) در روستای باریشا در استان ادلب در نزدیکی مرز ترکیه در حالی که در پوشش یک تاجر پارچه در روستا به زندگی مخفی خود ادامه میداد، کشته شده است. هنوز رسانه ها و ناظران از جمله روسیه مشغول بررسی زوایای این عملیات، چگونگی لو رفتن محل اختفای البغدادی، طرف های دخیل در این قضیه، معاملات احتمالی، ارتباط این حادثه با حمله ترکیه به شمال و شرق سوریه، اعتراضات مردمی در عراق و لبنان، خروج نیروهای آمریکایی از این کشور، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، موضع مسکو و تجزیه و تحلیل سخنان دونالد ترامپ هستند؛ ترامپ که در بحبویه مشکلات داخلی برای چنین روزی لحظه شماری می کرد؛ هر چند ترجیح می داد این روز در بازه زمانی نزدیک تری به انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ باشد. البته این گمانه نیز مطرح است که آمریکا از مدت ها قبل مکان حضور البغدادی را شناسایی کرده باشد، ولی ترامپ دستور حمله را به تأخیر انداخته تا در زمانی نزدیک به انتخابات انجام شود، اما جدی تر شدن مشکلات داخلی ترامپ و تأثیر سوء آن بر موقعیت انتخاباتی وی باعث شده باشد حمله به جلو افتاده و در این زمان صورت گیرد. از سوی دیگر احتمال میرود ترکیه عامل اصلی در کشته شدن البغدادی باشد زیرا مکان اختفای بغدادی نزدیک به مرز ترکیه است و نیروهای اطلاعاتی ترکیه از مدت ها قبل از حضور او با خبر باشند و چه بسا به او پناه داده باشند اما عملیات جدید نیرو های مسلح ترکیه با عنوان "چشمه صلح" با هدف بازگرداندن صلح و امنیت



به نام اعتراض گر؛ به کام اغتشاش گر

سید محمد میرحسینی

سیاسی

پیس "تسخه عراقی" توانا تک" که به نقل از روداو مسئول راهبری و تامین امنیت پروپاگاندای سایبری اغتشاشگران در شبکه های اجتماعی است [یک گراند بیشتر این NGOها به برنامه های USAID و دیگر ابزارها انتشار دموکراسی آمریکایی برمی گردد که روزگاری با کلاه سفیدها همراه تروریست های سوری بودند، امروز بازیگر اغتشاشات عراق هستند. همه ی این ها به خوبی رد پای از حضور عناصری است که کارشان تغییر مسیر این اعتراضات است و یا حتی استفاده هایی که میتوان از شلوغی ها کرد و از این همهجه برای اتفاقاتی بهره برد که در سکوت به راحتی قابل اجرا نیست. چیزی که الان در عراق و حتی لبنان در حال اتفاق افتادن است، فقط یک بازی رسانه ای است برای رسیدن به اهدافی که هم اکنون هم بخشی از آن را اجرا کرده اند. ترور فرماندهان مقاومت در عراق کار چهار نفر معترض عادی نیست و این نوع از ترور و شناسایی افراد موثر در سوریه و محور مقاومت، فقط میتواند با برنامه ریزی و پشتوانه عناصری خارجی از کشور هایی که همیشه محور مقاومت را دشمن خود می دانستند و از وحشت این اتحاد بزرگ حتی یک شب را به راحتی سر بر بالین نگذاشته اند. این یک طرح قدیمی آمریکایی-اسرائیلی موسوم به «جوش» است (جستجو و شکار) که پس از انقلاب در ایران توسط شبکه نفوذ انجام شد. در این طرح در هیاهوی درگیری ها و اعتراضات جمعی، افراد از پیش تعیین شده حذف می شوند مانند: مطهری، مفتاح، قرنی و... چیزی که امروز مهم است این است که نباید در دام تبلیغات بی اساس کشورهای قرار گرفت که میخواهند منطقه را در آتش

اگر کمی گوشمان را تیز کنیم صداهایی را می شنویم که زیاد هم از مرز های ما دور نیست؛ صداهایی مبنی بر اعتراضات مردم عراق و لبنان که مدتی است حواس همه را به خودش متمایل ساخته است اما به راستی این مردم چه می خواهند که صدای اعتراضشان به گوش همه رسیده است و هر ماهیگیری را به تب و تاب می اندازد که از این آب گل آلود ماهی بگیرد. اگر به فیلم های کامل پخش شده از محل اعتراضات (نه فیلم های تظطیع شده) نگاهی سطحی بیندازیم، متوجه موضوع خواسته شده و محور اصلی اعتراضات و سخنان مردم لبنان و عراق خواهیم شد. مردم این دو کشور که از دو محور مهم مقاومت هستند فقط و فقط اعتراضاتی مبنی بر مالیات ها و قوانین اقتصادی کشورشان دارند. چیزی که حرف اصلی آن هاست. اما در تبلیغات و خروجی های فضای مجازی عده ای تمام توانشان را بر روی منحرف کردن افکار عمومی نسبت به این موضوع اصلی و مهم گذاشته اند. نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، تاسیس بیش از ۵۰۰ موسسه مردم نهاد در عراق که توسط آمریکا اتفاق افتاده است، در لایه پنهان اغتشاشات عراق به NGOهایی برمیخوریم که عمدتاً در آمریکا ثبت شده و مدت ها در قالب کمک های بشردوستانه به شبکه سازی اجتماعی در عراق مشغول بوده اند؛ اما در ماه های اخیر تغییر روش داده و بستر ساز دو خط اصلی اغتشاشات یعنی تضعیف نیروهای مقاومت عراق و ایران ستیزی شدند. از سویی نیز به گروه دیگری از NGOها برمی خوریم که گویا دسترسی و امکانات اطلاعاتی-امنیتی ای بیشتر از یک سازمان مردم نهاد دارند. [مانند همین نمونه "تک ۴

جنگ و نفاق ببینند تا سود خود را راحت تر از خاورمیانه برداشت کنند. از طرفی می بینیم که هشتک های ترند شده در کشور عربستان سعودی همه و همه به جهت دهی اعتراضات مردمی عراق پرداخته و گزارشات دروغ از هدف اصلی مردم عراق و لبنان را منتشر ساخته است. و همه ی اینها نشان دهنده این است که کشور هایی که بیشترین ضربه را از این اتحاد منطقه ای خورده اند، تمام تلاششان را در جهت شکست این محور مهم انجام میدهند و هر کاری میکنند که این اعتراضات صرفاً اقتصادی را به شکست این محور مقاومت ختم کنند و در طی این مسیر به تزیق عناصر خارجی و ترور دست میزنند و البته که در گذشته هم این کار ها را انجام داده و بی نتیجه مانده اند. اهمیت سواد رسانه ای و تحلیل درست اخبار به خوبی می تواند زمین بازی آنها را از آنها بگیرد.

کار باید تشکیلاتی باشد!

محمد جواد سلطانی نژاد

سیاسی

تشکیلات چیز پیچیده ای نیست همین که چند نفر یکجا جمع شوند و برای هدف مشترک گام بردارند تشکیلات شکل گرفته است. موفقیت در یک کار جمعی بیشتر از کار فردی است و کار جمعی نوعی اتحاد و همبستگی را به همراه دارد که خود ضامن موفقیت و پیشرفت می شود. انقلاب اسلامی ایران با وجود همین تشکل ها به وجود آمد که اگر نبود انقلاب پیش نمی رفت. موفقیت در جنگ هم به دلیل کار تشکیلاتی بود. تشکیلات محله ای-مردمی، نیروی زیادی را جذب و پیوندهای مردمی در آن شکل گرفته و به آن قدرت می داد زیرا در تشکل ها ارتباط صورت می گیرد و دیگران را متقاعد کرده و با روابط قوی افراد زیادی را جذب خود می کنند. دانشجویانی که امروز درس می خوانند اگر بخواهند در آینده یک استاد، یک مدیر فعال، یک کارشناس برجسته باشند، باید در این تشکل ها حضور داشته باشند و این فرصتی برای دانشجویان ایجاد می کند؛ برای کار دسته جمعی و کسب مهارت های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر چند کار تشکیلاتی حرفه ای جای خود را در دانشگاه پیدا نکرده و بسیاری از دانشجویان فقط به گذراندن واحدهای درسی خود قانع هستند اما اگر به گذشته افراد موفق چه در زمینه سیاسی و چه اجتماعی و فرهنگی نگاهی بیاندازیم همه ی آنها در تشکل های مربوطه حضوری فعال داشته اند و به گونه ای در این تشکیلات تربیت شده اند و همت بلند و اعتماد به نفس آنها تقویت

شده است. ضرورت کار تشکیلاتی تا آنجاست که رهبر انقلاب می فرمایند: "بدون سازماندهی و بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار پیش نمی رود" اما تشکیلات چه جمع و جور باشد چه عریض و طویل به نتیجه نمی رسد مگر اینکه اصول و قواعد کار تشکیلاتی رعایت شود. خاصیت تشکیلات موفق، داشتن هدف، برنامه ریزی حساب شده و هدفمند است. برنامه های ضعیف و غیرهدفمند به انحراف کشیده و دچار فروپاشی می شود. یکی دیگر از گام های کار تشکیلاتی نیاز به اتاق فکر قوی و هوشمند دارد و همچنین به رصد مستمر فعالیت ها و اقدام ها نیاز دارد تا خطاها باعث ایجاد انحراف و از هم پاشیدگی تشکیلات نشود. رکن بسیار مهم تمامی تشکل ها مدیریت است و غفلت از آن نه تنها تشکیلات بلکه جامعه را فرسنگ ها از اهداف و آرمان ها دور می کند هر چند که نقش اعضا در موفقیت کار تشکیلاتی مهم است و باید موازینی چون پایبندی به اسلام و مکارم اخلاقی، پرهیز از دنیا طلبی، تقویت روحیه افراد، همبستگی و تعاون و تضعیف نکردن مدیر را رعایت کنند. ما در مقابل خود جبهه های مختلفی داریم: جبهه فرهنگی سیاسی، جبهه سرمایه داری، جبهه ارتجاع فکری. در مقابل آنها ما باید هم تنوع و هم برنامه داشته باشیم و هم کارمان هدایت شده باشد و این شدنی نیست مگر با ایجاد تشکلات در مقابل این جبهه ها!

وعده نامه!!!

وزارت علوم صرفاً جهت یادآوری!



وزیر علوم در جلسه فراکسیون مستقلین، از اتصال دانشگاه های کوچک به دانشگاه های بزرگ از نظر مدیریتی خبر داد. در این جلسه موضوعات مختلفی مطرح شد از جمله نمایندگان گلابه هایی را نسبت به پایین بودن کیفیت آموزش در دانشگاه ها و همچنین جایگزین شدن مدرک گرایی به جای کیفیت مطرح کردند. صدور مجوزهای معروف به مجوز زیر پله ای و همچنین تفاوت و بی عدالتی در مورد فرزندان اعضای هیئت علمی با سایر دانشجویان از دیگر موضوعاتی بود که وزیر علوم نیز به نوعی آن را تأیید کرد. آقای وزیر عنوان کرد پارک های فناوری و مراکز رشد می توانند در تولید علم نقش مؤثری داشته باشد. ایشان همچنین در مورد فرزندان هیئت علمی نیز گفتند این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که باید اصلاح شود. با اشاره به اظهارات اعضای فراکسیون مستقلین در خصوص عدم تناسب رشته های دانشگاهی با نیاز جامعه مطرح گردید که این موضوع عنوان شد که گرایش ها بیشتر به سمت پزشکی و تجربی است. وزیر علوم در این جلسه عنوان کرد قرار است دانشگاه های کوچک از نظر مدیریتی به دانشگاه های بزرگ متصل شوند تا از امکانات و کیفیت علمی آن برخوردار شوند. حال باید ببینیم این وعده آقای وزیر کی و چقدر عملی میشود؟! منتظریم



سلاطین کاغذی

فرهنگی

فاطمه خلیلی



است دچار بیکاری می شوند و جمعیت بیکار جامعه افزایش می یابد. این سیل ویرانگر دامان کتابخوان ها و محصلان و شغل های صنعت چاپ را بیشتر در برمی گیرد. بحث سرانه مطالعه در ایران هم که جای خود دارد. حالا ما می تیر بزنی و در برنامه های مختلف تلویزیونی اعلام کنیم که مثلاً سرانه مطالعه در ایران بسیار پایین است و فلان و بهمان... حال فکر کنیم کسی هم فکر مطالعه به سرش بزند، با دیدن قیمت ها قطعاً این فکر هم از سرش می پرد. ما نمی خواهیم در حاشیه باشیم اما وضعیت جامعه ما را ناخودآگاه به سمت حاشیه ها هل می دهد. اگر از طرف وزارت ارشاد اسلامی نظارتی قوی بر توزیع اصولی و برخورد جدی با دلالان و سلاطین این عرصه بود و واردات این کالای استراتژیک در دست افراد معدودی نبود، اگر چرخه تولید کاغذ داخلی و حمایت از آن وجود داشت و بازار سیاه کاغذ به وجود نمی آمد و اگر خیلی از اگر های دیگر نبود چرا ما دانشجویان باید کتابی را که طی دو سال گذشته مثلاً ده هزار تومان خریداری می کردیم، حالا باید همان کتاب را چهل هزارتومان خریداری کنیم؟! افزایش تعرفه های جهانی کاغذ و نرخ ارز خیلی مؤثر است اما با نظارت قوی دولت و وزارت ارشاد اسلامی می توانستیم در این صنعت پیش نیاز، این همه

حتماً تا کنون متوجه افزایش نجومی قیمت کاغذ و به تبع آن کتاب و نشریات شده اید؛ مخصوصاً قشر دانشجو که سر و کار زیادی با کتاب و کاغذ دارد. ما دانشجویان اخیراً برای بیشتر کتاب هایمان باید بارها تمام کتاب فروشی های شهر را بالا و پایین کنیم و در آخر نیز فروشندگان به ما بگویند چاپ جدید کتاب شما چاپ تمام شده است و دست دومش نیز در بازار موجود نیست. خب حالا تکلیف ما چه می شود؟! از نسخه های الکترونیکی هم که نمی شود استفاده کرد چون اولاً بعضی کتب نسخه الکترونیکی ندارند، دوماً مطالعه الکترونیکی برای بعضی از افراد بسیار سخت است و مشکلات خاصی خودش را دارد. اگر سری به چاپخانه ها و ناشران بزنی قطعاً شاهد درد و دل های زیاد آنها خواهید بود. تیراژ روزنامه ها کمتر شده و آن روزنامه هایی هم که سر پا هستند، کاغذ های کم کیفیتی دارند. در صنعت چاپ هم رغبتی به چاپ نیست چون می دانند سودی ندارد. در طی چند سال اخیر به شدت قیمت کاغذ بالا و پایین شد. حتی تا حدود شش برابر افزایش قیمت داشتیم. این قضیه شوخی بردار نیست بحث پایه های آموزشی و فرهنگی و همچنین موضوع هزاران شغل در میان است که اگر فکری به حال آنها نشود، هزاران شغل که کاغذ از اقلام حیاتی شان

نوسان نداشته باشیم. هر آشفته بازاری را می توان با مدیریت اصولی، آرام کرد و حداقل از آشفته گی آن کاست. اخیراً مقدار خیلی کمی قیمت کاغذ سیر نزولی داشت. اما مگر ما با هم بازی می کنیم که مثلاً قیمت یک جنس را پنج برابر افزایش دهیم و بعد از چند ماه مثلاً این افزایش چهار برابر شود و مردم خوشحال شوند؟ خیر... مردم وقتی خوشحال خواهند شد که قیمت به همان چند سال قبل برگردد نه اینکه برای آرام کردن مردم کمی از قیمت ها کاسته شود که در همان شرایط کاستن قیمت هم در گران ترین حالت ممکن هستیم. منتظر تدابیر و چاره اندیشی های دولت محترم(!) و مسئولان مربوطه هستیم اما خیلی وقت است که منتظر نشسته ایم... نشسته ایم به در نگاه می کنیم، بازار آه می کشد، خیال پایین آمدن قیمت ها چه دلبذیر بود، جوانی مان در این امید پیر شد، آن تدبیر و امیدشان کی و از کدام راه می رسد؟!



سوره روم آیه ۱۲ (و از آیات خداوند این است که برای شما از خودتان جفتی آفرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد...)، سوره نور آیه ۲۳ (مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید همچین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد). ازدواج تفاوت های زیادی با روابط دوستانه دختر و پسری دارد که به بعضی از موارد آن می پردازیم؛ *رابطه زن و شوهری در ازدواج بسیار محکم و پایدار است اما روابط دختر و پسری سطحی و سست است و هر لحظه مانند آب خوردن امکان کات کردن آنها وجود دارد چون مسئولیتی در قبال هم ندارند. *همان گونه که گفتیم در ازدواج زن و شوهر نسبت به هم حق و تکلیف (مسئولیت یا وظیفه) دارند که در این روابط این گونه نیست. *در ازدواج رابطه دائمی و همیشگی است اما آن موقتی و از سر هوسرانی و علافی و بیکاری و... شهید مطهری می فرماید: "یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در جهاد با نفس پیدا نمی شود، در نماز شب پیدا نمی شود، این کمالات را فقط باید در ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد..." ازدواج دانشجویی دارای محاسنی که به اختصار به شرح زیر است: *سطح تحصیلی نزدیک تر زوجین در تفاهم آتی می تواند مؤثر باشد. *قدرت انتخاب فرد بر اساس ملاک های اخلاقی و دینی و اجتماعی و ظاهری و شخصیتی در حوزه وسیع تری خواهد بود. با توجه به اشتراکات مختلف و تمایلات

ازدواج شیرین ازدواج دانشجویی

فرهنگی

مینا کریمی



این روزها تا حرف از تشکیل زندگی مشترک می شود عده ای آنچنان سیاه نمایی میکنند که اکثر افراد را از ازدواج منصرف می کنند. «با این قیمت ها؟»، «چجوری می خوام نون بدی؟»، «الان داغی نمی فهمی» و «از مجردیت لذت ببر» پرکاربردترین جملاتی است که وقتی یک جوان ۲۲ ساله درخواست تشکیل خانواده را می دهد، از اطرافیان می شنود. هرچند بخشی از این سخنان زیاد غلط نیست و باید پذیرفت مشکلات اقتصادی زیادی پیش روی جوانان برای ازدواج وجود دارد اما دست روی دست گذاشتن در هیچ کاری شایسته نیست. باید پذیرفت آن جوانی که در حین دوران تحصیل خود قصد ازدواج دارد، دارای جرئتی است که این روزها کم پیدا می شود. حالا سوال اینجاست چرا خداوند این همه به مقوله ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت داده است؟ در ادامه با آوردن برخی آیات و روایات به بررسی عقلی و نقلی و اهمیت و نتایج و فواید ازدواج دانشجویی می پردازیم:

طرفین امکان کاستن از بسیاری توقعات مادی و شروع زندگی با حداقل ها میسر و امکان پذیرتر به نظر می رسد. *برای تربیت فرزند زوجین تحصیل کرده در اکثر موارد می توانند موفق تر عمل کنند. *ذکر بهانه هایی از جمله این انتخاب، انتخاب من نبود بلکه انتخاب دیگران برای من بود یا جملاتی از این دست که اختلافات زناشویی را به دیگران نسبت می دهد کاهش می یابد. *چون خود فرد اقدام به انتخاب کرده و سختی هایی را برای رسیدن به آن متحمل شده در نتیجه تلاش بیش تری را برای حفظ، دوام، تداوم و استحکام هر چه بیش تر آن به کار خواهد بست. (هر یک از طرفین) *آمار طلاق در ازدواج های دانشجویی زیر ۳ درصد است. پر واضح است که میتوان با ازدواج دانشجویی، برای کاهش آمار طلاق و در نتیجه حل معضلات اجتماعی میانبر زد!

شما میتوانید آزادانه انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با هفته نامه "صبح قریب" و همچنین مسائل دانشگاه (مشکلات صنفی و آموزشی) از طریق شماره ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶ به اشتراک بگذارید

آپچه شما گفید!

۳۴۷۱ *** ۰۹۱۶: هفته نامه ی خوبی داریم ولی پیشنهاد میکنم که بیشتر به موضوعات دانشگاه بپردازین چون اگه دانشجو نتونه مشکلات دانشگاه خودشو ببینه و تاثیر بذاره، چه فایده ای داره که به موضوعات کلان سیاسی و اجتماعی بپردازه؟ برای مثال مشکلات صنفی دانشگاه خودمون خیلی زیاده و میشه بهش پرداخت

۰۵۷۳ *** ۰۹۱۸: مطالب سیاسی این شماره نشریه تون [شماره ۱۴۸] بسیار خوب و بجا بود مخصوصاً مواردی که در مورد نفوذ در سرمقاله بهش اشاره کرده بودید خیلی تاثیرگذار بود فقط ای کاش بیشتر در مورد نفوذ و اهمیت اون در جامعه می گفتین چون پروژه نفوذ مثل موریانه به جون ساختار های کشور افتاده

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: رسول یوسفی

سردبیر، طراح و صفحه آرا: حامد آقار

basijaraku

basij_araku

۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶